



دردِ کجایی؟

سطورِ آه چستی بری

محسن میهن دوست

سر شناسه	: میهن دوست، محسن، ۱۳۲۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: اسطوره آب، چیستی پری و چراغ برات و واکاوی آن با آیین سیاوشان / محسن میهن دوست.
مشخصات نشر	: مشهد: ترانه، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۲۶۰ ص.
شابک	: 978-600-7061-71-8
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۵۷.
موضوع	: آب -- اساطیر
موضوع	: Water -- Mythology
موضوع	: اساطیر ایرانی
موضوع	: Mythology, Iranian
موضوع	: اسطوره‌شناسی
موضوع	: Mythology
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷ ۹م۲/۳۲۵BL
رده بندی دیویی	: ۳۹۸/۲۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۱۵۵۰۸۵

اسطورهٔ آب، چِستی پری
و
چراغ‌برات و واکاوی آن با آیین سیاوشان

محسن میهن‌دوست



انتشارات ترانه

اسطوره آب، چیستی پری
محسن میهن دوست

چاپ اول: ۱۳۹۷، شمارگان ۱۰۰۰ نسخه

۲۵۰۰۰ تومان، لیتوگرافی: آفق

چاپ و صحافی دانشگاه فردوسی

صفحه آرای: رحمان اسدی

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۶۱-۷۱-۸ - ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۶۱-۷۱-۸
ISBN:-978 - 600-7061-71-8

کلیه حقوق برای انتشارات ترانه محفوظ است

مشهد، میدان سعدی، پاساژ مهتاب - طبقه همکف انتشارات ترانه تلفاکس ۳۲۲۸۳۱۱۰

پیشکش به فرزندم سیندخت، و از جمله به دختران و
پسران خردورز، که از تلف کردن آب زندگی دهنده و
خشکسالی پیوسته، نگران دیده می شوند.

تو دانسته نمی شدی
اگر عشق را نمی شناختی
و شب اگر تنگ است
و روز اگر تاریک
به دست های قلم گرفته ام نگاه کن
که وصف آردویسور آناهیتا (تاک تن) را
در جان خویش دارد!

فهرست

۹	یادداشت.....
۱۳	به بغ بانوی آب‌های ایران زمین.....
۱۵	آناهیتا، آپامنیات.....
۸۷	وای.....
۱۱۱	سگ‌دید.....
۱۱۱	(روایتی اوسنه (owsane) گون و انگار و برداشتی درباره آن).....
۱۲۱	پریان آب، انار بهشتی (و نگاهداشتی از سرِ درنگ به آن).....
۱۴۹	پری چاه.....
۱۵۹	پهلوان.....
۱۶۷	گوشواره زیبا.....
۱۷۵	باکره‌های پری‌زاد.....
۱۸۳	انگاری و برداشتی در چیستی پری.....
۲۱۳	چراغ‌برات و واکاوی آن با آیین سیاوشان.....
۲۵۷	مآخذ.....

یادداشت

انگاره‌های باورداشتی و کهن‌فرهنگی مردمان ایران‌زمین «بسته‌مرز»! ننموده نمی‌شود و چنان‌که به‌تدریج آشکار خواهد شد، بوده‌های مثالی و رمزی پرسش‌برانگیز آن که جان‌مایهٔ زبان و ستیز و تقابل‌های نابرابر است، ازجمله در هنر، و در ادبیات شفاهی و کتبی، گشتی پاسخ‌ده و بن‌مایه‌دار را گوشزد فرهنگ‌شناسان جهان کرده است. هم از این روی، در گسترهٔ جهان‌شناسی ایرانی، گرچه اوصاف اسطوره و خرد جمعی، معناپذیری هزارتوست و ره‌توشه‌ای مرموز دارد. اما این به آن معنی نیست که زندگی و مرگ را نشناخته و برگزیده است! مثال و نماد، استعاره و تمثیل و جز آن، ازجمله ذاتی جوهرهٔ فرهنگ ایرانی و هندی است، و گذشتهٔ دور، هرچه بوده، این‌خواهر و برادر را در رموزی پیکربین و زمزمه‌برآور تعبیرپذیر داشته است، و از آنجا که در این دفتر، گفتاری چند در حلقهٔ پیوند این دو شاخهٔ فرهنگ‌برآور و فرهنگ‌صدور گیتی دیده می‌شود، ردیافتگی آنچه در پیش‌رو نسبت به این همذاتی و همدوشی برتائیده شده، جملگی دال بر این نکته است که فی‌المثل اگر آردویسور آناهیتا، بغ‌بانو و دوشیزهٔ آب‌های ایران‌زمین (بیدخت)، با «سرس‌وتی» هندی (مادر آب‌ها) رنگ و لعاب نزدیک‌تری را نسبت به افرویدیت یونانی حتی ایشتار بابلی نشان داده، جای درنگ بسیار دارد.

این نکته از آن‌روی اشاره رفت که این دفتر چون [ازجمله] عنوان اسطوره‌آب، چیستی پری به خود برگرفته، آنجا که شرح و فصل دربارهٔ آب، آناهیتا، آپام‌نات، تَشتر،

مام ایزد «پری و جنی» و جز آن قرار می‌گیرد، زد و ره به آن باورداشت‌ها و انگاره‌هایی می‌برد که بیرون از این گستره نیست! و اگر اوسنه‌ای چند، در تنگ مطلب یا موضوع‌های مربوط دیگر قرار گرفته، چشمداشت و پژوهش پیش دست، نه بر آن بوده تا تنها غمز و رمز اسطوره‌ای و آیینی آب را، که فصلی از کتاب به آنها ردیافته می‌نماید، طرح مطلب کند، بل اوسنه‌ای چند هم که گزینه شده و پیش از این در دفترهای دیگر دیده شده و در اینجا آمده است، باری‌رسان آن نکته‌ها و واگویی‌هایی باشد که مثال آنان، در زمینه آب و زن، نیز زایش و باروری، خواننده را متوجه انگاره‌های اسطوره‌ای اوسانه‌ای گذشته‌ممزوج کند.

پیدااست از آنجا که طرح مطالب (گزینه‌ها)، در هم‌پیوندی با متون و پژوهش میدانی و شفاهی رقم زده شده، انگاری گفتار و گفتی دیگر را، در تداوم ایران‌شناسی، در کنار دست و چشم خواننده (پژوهشگر ردیاب) قرار خواهد داد.

نیز محتوای این دفتر در تداوم و زنجیره آن خواستگاهی است که پیش از این در مقاله و کتاب، و گفت‌وگوهای چاپ‌شده‌ام، به آنها رجوع داشته و خواهم داشت!

پژوهش انگاری و برداشتی در چیستی پری، در گمان خویش، خوانشی ردیاب را نسبت به پری و جنی (جن و پری) و... برمی‌نماید، و از آنجا که حوصله‌مند و زمان صرف‌کن، چهرگان آن را در گستره باورداشت‌های هند و ایران، و کهن‌الگوی آن دنبال کرده‌ام، گویی‌نگویی تکمله‌ای بر نوشتارهایی است که درباره پری و جن، به خوانش درآمده است و این به‌ویژه به جهت توجه بیشتر از جمله به مقاله خوب پری (سرکاراتی - بهمن) پیوندیافتگی، به سبب پاسخ به چیستی پری را بایسته کرده است. پیش از این در مقاله بلند «آز» جایافته در کتاب «اوسنه‌های بخت و درنگی تحلیلی و نظری در آنها» به مقاله مذکور بی‌توجه نبوده‌ام و در اینجا و در این دقیقه می‌گویم، درباره آب و پری و (جنی) و آنچه در فرهنگ عامه مردم ایران‌زمین، تمثیل و نماد آردویسور آنها را برمی‌تابد، هنوز پای من و راه دراز - هنوز کلک من و دفتر باز! چه، انگاره‌های پیش از اسلامی و کهن درباره مام ایزد، تو گو پری [و جنی] (نیز آپسار و گندروهای هندی)، با آنچه پس از اسلام در ایران وجود داشته و در تلفیق با کیش تازه،

و دیگرگونیِ واژگانی یا جابه‌جایی معنایی با پنداره‌های دیگر مردمان پیدا کرده، بس درازدامن است و نیز از جمله این نکته که از زبان عامه شنیده می‌شود: «آب مَهْرِیة حضرت زهرا است»، خود حدیث مفصل بخوان از این مُجمل!

به‌هر روی دفتر پیشِ رو، که مقاله بلندِ «وای» و رساله چراغ‌برات و واکاویِ آن با آیین سیاوشان را هم در خود خانه داده است، به سبب اهمیتی که می‌تواند از فهم پژوهش میدانی دستگیر خواننده کند، گزینه دیگری است که خالی از هم‌پیوندی با رموز اسطوره‌ای- اوسانه‌ای، نیز آیینی حماسی و مذهبی مردم ایران زمین نیست.

۸۵/۸/۲۰ تا ۹۶/۱۱/۸

دوست

به بغ بانوی آب‌های ایران زمین

آناهید!

اکنون از جمله، این تویی که آرام‌آرام مرا به سوی ریزِ زیبایی‌های هستی
آغاز نشناخته رهنمون می‌شوی.

و من که با تکیه بر رمزِ زبان، معناپذیر خرد و ردجوی سپیده، و سپیده‌دمان دیده
می‌شوم، سوک ندبه‌ها و تغزل‌های حماسی مردم خویش، و انسانِ معاصر را از واقعیت
وجودی حس و تن، و رویشِ پیش‌رو، رو می‌کنم.

ای پاک

ای پاک سودرسان

ای آناهید

ای شفاف

ای الاله بانوی آب‌های درخشان

و ای دوشیزه بغ، ای بخشنده

ای زیبا

ای به‌تمام

ستایندهٔ عبرانی پنهان و آشکار خود را در این کم‌بارانی و بیماری دیرسال دریاب!

آناهیتا، آپام‌نپات...

هنگامی که در پی کم و زیاد کردن این دفتر و تدوین آن بودم به این فکر افتادم در تداوم دفترهایی که گاه به تحلیل یا «نظر» روی برده‌ام و در دسترس خواننده قرار داده‌ام، و نیز با توجه به گستره موضوعی ایزدان و فرشتگانی چون میترا و مهر - و «آناهید» در اوسنه و روایت‌های آیینی، که یکی از جمله واگوگر روشنایی و سپیده‌دم (پیمان و عشق و...) است، دیگری آبِ «پاکِ سودرسان» با همه نکوداشت‌هایی که در آیین و اسطوره و باورداشت‌های کهن ایرانی، از جمله نسبت به این دو پدیده مادی گردان دیده می‌شود، گفتم همان به از آناهیتا (= ناهید = آناهید) که میترا زادیاخته از دامان اوست، ورقی چند، هر چند با ایجاز پیش روی خواننده علاقه‌مند و پژوهشگر ردیاب قرار دهم. چه در اوسنه‌های کهن و دوام‌یافته ایرانی جای پای میترا و آناهید، نشتر و بهرام، آپام‌نپات و ایزدان و فرشتگان دیگر مردمان ایران‌زمین، مثال و نماد، تمثیل و استعاره و نشانه‌های آن بس موجود است و گاه می‌بینی که زد هزارتوی تمثیل و استعاره‌های معنی‌ده، که گردش‌یافته در روایت آیینی، اسطوره و اوسانه *owsâne* است. فی‌المثل این آناهید یا به تعبیری قابل تفکیک همان اردویسور آناهیتاست که کنش و واکنش شخصیت‌های ساده اما مثالی و تمثیلی اوسانه را رقم می‌زنند، یا خویشکار عناصر اصلی قالب اوسانه و محتوی آن‌اند.

اکنون در این دفتر گفتاری چند پیش رو دارم، و بر آنم که مثال و نماد ایزدبانوی آب‌های ایران‌زمین را، که کهن وشی آن زد به مام آغازین و زن ایزد می‌برد و در اسطوره

و اوسانه چهره‌گردان زایش و باروری و تداوم حیات است، رجوعی کندوکاوانه داشته باشم. از آن‌روی که در سال‌های سپری‌شده چاپ اوسنه‌ها یا روایت‌های آیینی و حتی سرگذشتی کهن، کمتر پژوهشگری در این زمینه به نهادینه‌های نمادی و تمثیلی و نیز استعاره‌ای، که حتی ساختار روایت و اوسانه را بن‌مایه و بن‌پایه داده‌اند، توجه کرده است! و نیز اگر پژوهشی دست داده، بیشتر در زمینه عناصر و مانده‌های آیینی و اسطوره‌ای در متون برجامانده، بوده است تا تمثیل یا باورداشت‌های عامه‌گرایی که از جهت چشمداشت به طبیعت زمینی یا معتقدات سپهری و کهکشانی‌های دست‌نایافته، خیز و راه عمومی‌تر را برتابیده است!

اوسنه‌ها با هر موضوع و شاخاب‌هایی که ریشه یافته و خویشکار می‌نمایند و نیز سبک و سیاقی که می‌توان به آن چشم داشت، به جهت گستره فرهنگ ایرانی و تاریخی که بر آنها گذشته، مرموز و درازدامن‌تر از سایه‌های متون کتبی است. بی‌توجهی به این مهم، شناخت زاد و روز و گستره فرهنگ مردمان ایران‌زمین را مشکل کرده است، چه اوسنه و روایت‌های آیینی گردان و کهن‌الگوها به جهت تکرار خویشکاری‌های کهنه و نو، یا نو در کهنه و بالعکس از غنای نماد و تمثیل و استعاره‌های خود به خودی و جوششی بسیار پُر بهره می‌نمایند. هم از این‌روی در راهی که باید رفت و کم‌رفته دیده می‌شود نخست در گستره اوسانه و روایت‌های آیینی که ریشه در ادغام باورداشت‌ها یا یادمان‌های دوره به دوره دارد، ویژگی‌های اسطوره‌ای تاریخی، زبان و گویش، و نیز کنش و واکنش اقوام در معتقدات، آداب و رسوم و مناسک، ناپیدایی خود را گوشزد اهل پژوهش می‌کنند.

با این انگار و چشمداشت به شمار دفترهایی که چونی و چندی اوسانه‌ها و اسطوره‌های گمی که بیشتر در خراسان شنیده شده و به چاپ رسانده‌ام، اشاره نمی‌کنم، ولی همین جا می‌افزایم که در هر دفتر، شمار قابل توجهی اوسانه یا روایت اسطوره‌ای خانه یافته موجود است که رد به میترا و آناهیتا، تِشتر و آپام‌نپات، بهرام و امشاسپندان و جز آن می‌برد و چنان‌که اشاره رفت از این انگار و چشمداشت است که باورهای اسطوره‌ای، اوسانه‌ای و نیز روایت‌های آیینی درباره آب و سپهر پرستاره، چهرگانی چند

پرمایند از شخصیت‌های مثالی و کهن‌الگوها را واگو می‌کنند.

از این درگاه و سویه است که می‌توان به ایزدان و فرشتگان ایرانی و هندی و سپس تر سامی و غیربومی، که رَدشان در متون کهن بازیافته یا گم می‌نماید در گستره فولکلور و فرهنگ عامه (عمومی) حضورشان مثالی و نمادی در گردش است، توجه کرد.

از آن شمار، «آناهیتا»، شاید که مهم‌ترین و نیز پربارترین عنصری است که در بستر اسطوره و آیین، اوسانه و روایت نقل‌سینه‌به‌سینه و زبان‌به‌زبان شده، مثال آن تداوم‌پذیرتر و عمومی‌تر دیده می‌شود. همان که در وصف پیکرش و وجود تمثیلی آن از جمله در «آبان‌یشت» آمده:

آنجا ایستاده، دیده شدنی

آب بانو آناهید

به کالبد کنیزی سریرا (زیبا) زورمند، خوب رُسته کمر بالا بسته از چهره (تخمه) رایمند، آزاده بر دوشش تن‌پوشی پوشیده، پُربافته (هزاربفت)، زرین، بازوانش زیبا، سپید، به ستهمی اسبان

بادیه و برَسَم^۱ به‌دست

با گوشواره‌های آویزان، چهار کنار، زرین، مینائی، خوب آزاده (برگوش) می‌برد

آب بانو آناهید

میانش را بسته، تا پستان‌هایش خوش کالبد شود

تا این‌سان نازنین باشد

بر سرش بساکی بسته

آب بانو آناهید

صد ستاره زرین، هشت قوسی، همچو اراده

با درفش‌های آویزان، زیبا‌گرداگرد، خوب کرده

(خوب ساخته)

جامهٔ بَبَر^۲ بر تن دارد

آب بانو ناهید
از سیصد پوست بَبَر
چهار بار زاییده
در زمان درست پرداخته
چرمش درخشان دیده می‌شود
چون سیم و زر
با موزه‌ای (کَفَشی) تا زنگ پوشیده
همه‌رنگ، زرین، تابان

(محمد مقدم، جُستار درباره مهر و آناهید، صص ۵۵-۵۶)

چنین نما و پیکره مثالی، و انگاره‌آور نسبت به آب، سوای اوصاف وی در آبان پشت و برخی متون، در اوسنه و روایت نیز پری یا پری‌زادان آب، چنان‌که گفته آمد، چهارگانی چند باورداشتی و نمادی در بستر فرهنگ عامه زادیافتگی پیدا کرده است. چنان‌که ویکندر رَد داده و دومزیل هم اشاره داشته:

«از بررسی داده‌های ودایی و اوستایی موجود چنین برمی‌آید که در اساطیر هند و ایرانی، گروه ایزدان کارکردی را یک ایزدبانو تکمیل می‌نماید که از نظر اعتقادی، محدود به هیچ‌یک از کارکردهای سه‌گانه نیست، بلکه در میان همه آنها قرار دارد و عمل می‌کند، از این‌رو، سرشت این ایزدبانو ترکیبی است، چنان‌که احتمالاً این امر از نام سه‌گانه شگفتی که در اوستا به او داده شده، برمی‌آید: «مرطوب (کارکرد سوم) توانمند (کارکرد دوم) و پاک (کارکرد نخست)»، اردویسور آناهیتا (دومزیل، سرنوشت جنگجو، ترجمه مهدی باقی، شیرین مختاریان، نشر قصبه، ص ۱۰۵).

این نکته و «نظر» برداشتی ردیافته است، و صاحب این قلم به جهت کار میدانی درازمدت و آنچه از متون کهن و نوشتارهای دیرینه، و نیز پژوهش میدانی به درک درآورده، خود به کارکرد سه‌گانه و خویشکاری آن در فرهنگ مردمان ایران‌زمین با پیچش‌های موجود هنوز به درستی باز نشده اذعان دارد. اما این نوشتار مدعی رجوع به چونی و چندی آن نیست، با این همه نخست به جا می‌دانم درنگی هرچند کوتاه و

بریده از چند گوشهٔ گیتی نسبت به این «پاک سودرسان» یعنی آب همیشه موجود در زمین زاینده و باریده از آسمان داشته باشم.

سومریان که رد و رهیافت آغازین فرهنگ‌یافتگی آنها نزدیک به بومیان ایران زمین دیده می‌شود، منشأ خلقت را به آب نسبت داده‌اند، و از نگاه آنان از آب‌های نخستین و سرمدی است که آفرینش صورت گرفته، به دیگر گفت «در آغاز جز آب هیچ چیز نبود، و هر چه هست به‌دست آمده از آب است» چنان‌که در آغاز آفرینش الالهٔ نمو (= نامو nammu) یعنی آب‌های نخستین وجود داشته است. این الاله دختر و پسری را زادیافتگی داده است که نام دختر «کی کی» (= زمین) و پسر «آن» (= آنو Anu = آسمان) گفته آمده است، و این دو در آغاز به یکدیگر چسبیده بوده‌اند، و چون این خواهر و برادر با هم درمی‌آمیزند انلیل Enlil الالهٔ باد متولد می‌شود.

انلیل با نیرویی که دارد، پدر و مادر خود را از تنگ‌همدیگر جدا می‌کند و با این اقدام آسمان که پدر است گسترش پیدا می‌کند و زمین نیز که مادر است، گسترده شده و انلیل در این میان حرکتی گردشی و فعال بین این دو پیدا می‌کند. اما در تاریکی پا در راه است، پس برای رهاشدن از تاریکی «نانا» الالهٔ ماه را به وجود می‌آورد و این پدیدهٔ تازه، تاریکی را از آسمان و زمین دور می‌کند، تا اینکه خورشید، یعنی «اوتو uto» به‌جهت روشنایی بیشتر به‌وسیلهٔ انلیل پدیدار می‌شود و سپس تر زادیافتگی‌های دیگری، که انلیل و دیگر الاله‌ها پیدا می‌دهند و زندگی پس از آن با مظاهر و عناصر خود، می‌نماید که دیده می‌شود.^۳

نیز نماد این الاله از سومر به بابل که راه پیدا می‌کند «تعامه» یعنی الالهٔ آب نام گرفته است.

در مصر، پیش از آنکه کیهان تحولی نظام‌دار را از سر بگذرانند، در تاریکی، اقیانوس بی‌کرانه‌ای از آب ساکن وجود داشت. بنا به تصویری که موجودات اولیه داشتند، این اقیانوس نوپا نون نامیده می‌شد، هیچ معبدی به افتخار آن ساخته نشده بود، اما ماهیت نو به‌شکل دریاچهٔ مقدسی که نماد «ناموجودی» پیش از آفرینش است، در بسیاری از پرستشگاه‌ها وجود دارد. در واقع، این گسترهٔ پهناور آب فاقد

حیات، هرگز از بودن بازمانده و تصور بر این بود که پس از آفرینش، اطراف افلاک سماوی را گرفته و از خورشید، ماه، ستارگان و زمین و نیز مرزهای جهان زیرین حفاظت می‌کند. مصریان باستان همواره از این بابت در هراس بودند که مبادا که نون از آسمان به زمین سقوط کند^۴ (اسطوره‌های مصر، ص ۸). نهایت آنکه در اساطیر مصر، رع از نخستین الاله‌هایی هست که از آب‌های نخستین سر به در آورده است.

«نیز در اسطوره‌های سومری الاله بعل از پیروزی بر آب‌های نخستین آغاز به سازمان‌دهی هشتی و جهان پیش‌رو می‌کند.»^۵

در یونان نیز اقیانوس الاله آب‌های «آغازین» نموده شده و نخستین الاله‌ای است که جهان هستی از وی بنا یافته و شکل پذیرفته است.

نیز پوزئیدون، هرچند به درستی بازشناخته شده نیست، ولی وی را ایزد آب هم می‌دانند و بر وجه باروری و رویش تکیه دارد! چه: «او نه تنها خداوندگار دریا، که خداوندگار دریاچه‌ها و رودها نیز بود» (ف، ژیران، فرهنگ اساطیر یونان اسماعیل پور، ص ۱۳۹) و نیز دیمتر و آفرودیت هم، چنین می‌نمایند که آناهیتای ایرانی نموده شده است.

«در چین باستان چون ایران، آب مقدس بوده و ایزد بانوی آب را ستایش می‌کرده‌اند و پیشکش بسیاری به‌ویژه در ناحیه دزین برای ایزدبانوی آب برده می‌شده است.»

* بایسته اشاره است، در ایران، از جمله در دشت توس، آنجا که «پیچ ساغروان» و گستره آن وجود دارد، روستای کهن «د-وین» بر بلندای ژرف‌ترین آبگیر کشف رود اساطیری (جایی که گرشاسب اژدهاکشی می‌کند) دو تپه توس باستان و پیش‌اسلامی برنمون این یادداشت می‌شود.

سفالی‌های شکسته که هم چشم به‌سوی چشمه‌سبز در دامنه بینالود دارد، و هم کمی دورتر، به آبگیر، یا آبدان پرجوش چشمه گیلان (توگو گلسپ، که در باور بومیان آن جای پای رخس رستم است). نیز این رد و خط، چه روایت‌های آیینی، و یا اوسانه‌ای دیرزیست، زبان‌آور نکرده است. در بندهش (از جمله) به دو دریاچه سوئربه آب شهر بوم، که بر سر کوه توس است، چنان گوید که سودبهر، نیکخواهی و بهی، برکت و رادی از او بیافریده شده است (بندهش، ص ۷).

این ایزدبانو چون آناهیتا کارکردی آیینی و مناسک برآورد داشته است، همچنین، چینیان اسب و گاو و جانوران دیگری را به رسم پیشکش به نزد ایزد بانوی آب‌ها می‌بردند و اسب سفید را بر دیگر جانوران ترجیح می‌دادند. درباره پادشاه دودمان «هان» می‌خوانیم که یک اسب و یک انگشتری از یشم سبز را در رودخانه «زرد»^۶ پرتاب می‌کردند و در «لین دزین» که یکی از پرستشگاه‌های بزرگ «رودخانه زرد» بود، پیشکش‌ها در هنگام یخبندان در موقع آب‌شدن یخ‌ها تقدیم می‌شد و مرکب بود از گاوان نر و گوساله‌ها و گاه نخستین حاصل غله نیز در این شمار می‌آمد، اما روا نمی‌دانستند که گاو سرفسید را پیشکش ایزد بانوی آب‌ها کنند و چنین کاری را شرم می‌دانستند...»^۷

نیز در باور «یوربانی» های آفریقا «در آغاز، همه چیز آب بود (اوباتارا) با ظرفی در دست از آسمان پایین آمد. داخل ظرف مقداری خاک و یک قطعه آهن، و یک تکه زغال بود... آهن را روی آب‌ها گذاشت. خاک را روی آهن ریخت و زغال را بالای آنها قرار داد. بلافاصله، زغال گداخته شد، و آهن را داغ کرد، و بدین ترتیب... زمین، از هر طرف پهناور و بزرگ شد.»^۸

نیز بنا به پندار و باور قومی دیگر از سرزمین آفریقا یعنی «واپانگوا» در آغاز توفانی سرد و وحشتناک موجب ریزش برف، و تبدیل آن به یخ شد. سپس باد گرم و سوزان یخ را آب کرد، تا آنکه سیل همه جا را گرفت، و زمین به صورت دریایی بزرگ، درآمد این



این انگار و داشت (داشته) و ستایش بر آب، و از جمله به ایزد آب، یعنی آردوسور آناهیتا، که در شمار دریاچه‌های مقدس ایران زمین با عنوان «زره» نام برده شده است، و در پای آن نثار و هدیه و قربانی انجام می‌شده است، یا به آیین کهن زیورآلات به آن می‌سپرده‌اند، انگارآور فرهنگ آب یا تاریخی است که تا ترک رود و گلسپ، نیز درگاه پاژ و گورگاه حکیم فرزانه توس، پیوند به هم دارد. نکته آنکه، چون «دزین» چینی، «د-وین» دشت توس خراسان بزرگ، و پهنای آن چشم‌به‌راه پژوهش‌هایی است که هم به جهت باستان‌شناسی و تاریخ گم به آن بی‌توجهی نشان داده شده است، هم به غرض و ناآگاهی چشمداشتی به آن دیده نمی‌شود. شباهت نام «دزین» و «د-وین» آن هم میان دو سرزمین کنسالی و فرهنگ برآورد گیتی از آن روی مهم می‌نماید، که به آب و گذشته ستایش برانگیز آن، به جهت خشکسالی و هدر دادن آن، فهم تاریخی و علمی نشان بدهیم.

آب، سرانجام مایه زندگی گیاهان گشت. آب، همانند خاک، بر اثر دمیدن نفس «نزامه خدای آفریدگار پدید آمده است».^۹

در اسطوره رودزیایی آمده: «خدا ماه را آفرید، ماه مرد بود و در آغاز در ژرفای دریا می‌زیست، اما می‌خواست روی زمین زندگی کند. خدا به او گفت زندگی کردن روی زمین بسیار دشوار است، پشیمان خواهی شد! ماه قبول نکرد. پس خدا ستاره صبح را به زنی به ماه داد و آنها را به زمین فرستاد. ستاره صبح آتش را همراه خود به زمین آورد. وی از ماه باردار گشت و درختان و سبزه‌ها و نباتات را زایید.»^{۱۰}

همچنین برخی اقوام آفریقایی بر این باور بودند که آب پیش از خشکی وجود داشته است و برخی آتش را بر آب مقدم می‌دانند و چنان‌که اشاره شد، در بیشتر اسطوره‌های آفریقایی بن‌مایه آفرینش آب است.

و خلاصه آنکه در میان قبایل سرخ‌پوستان، اسطوره‌هایی در پیرامون پیدایش جهان شنیده شده است که متنوع است، ولی سرزمین نخستین و ازلی تقریباً چنین است: «سرزمین آبی که موجودات مختلف از ته آن گل‌ولای برمی‌آمدند و زمین و همه قبایل را می‌سازند...»^{۱۱}

در تورات و انجیل و قرآن نیز درباره آب‌های نخستین سخن به میان آمده است و در تورات از جمله آمده: و قصد خداوند از آفرینش آسمان، ایجادکردن حدفاصلی میان آب‌های بالا و زیر آسمان است.

«و خدا گفت فلکی باشد در میان آب‌ها و آب‌ها را از آنها جدا کند و خدا فلک را بساخت (سفر پیدایش، باب ۱، آیات ۶-۸) یا: زمین از خشک‌شدن آب‌های زیر آسمان پدید آمد و مانند جفت خود، آسمان، دارای هفت طبقه است که نام هر یک از طبقات آن در تورات آمده است.»^{۱۲}

«و خدا گفت آب‌های زیر آسمان یک‌جا جمع شود و خشکی ظاهر گردد و چنین شد و خدا خشکی را زمین نامید» (سفر پیدایش - باب ۱، آیات ۹ و ۱۰).

زمین و پری آن از آن خداوند است، ربع مسکون و ساکنان آن، زیرا که او اساس آن را بر دریا نهاده و آن را بر نهرها ثابت گردانید (مزامیر داوود - مزور ۲۴، آیات ۱ و ۲).

و نیز در قرآن آمده است که: «عرش با عظمت (خدا) بر آب قرار یافت...» و تعبیر و برداشت‌های دیگری که در مجموع ستایش گیتیانه آب را وجهی آیینی و اورمزدی بخشیده است. چون خداوند بر فرشته باد دستور می‌دهد تا ابر باران خیز را به هر طرف که او بخواهد، براند، تا از فشار و تراکم آنها باران، یکی دیگر از آیات رحمت خود را نازل سازد. به برکت باران، آب ارزانی زمینیان می‌گردد تا رشد و پرورش گیاهان، ثمر و میوه درختان، سبزی و خرّمی زمین، خورش حیوانات و روزی آدمیان از این مانده آسمانی حاصل گردد و از فشار و تراکم ابرها آب باران فرو ریختیم (سوره نبا، آیه ۱۴). نیز در بندهش ایرانی، درباره آفرینش مادی چنین می‌خوانیم: «چون اهریمن به گیجی از کار بیفتاد، چنان‌که فرازتر نوشتم، سه‌هزار سال به گیجی فروماند در آن ازکارافتادگی آن اهریمن، هرمزد آفریدگان را به‌صورت مادی آفرید از روشنی بیکران آتش، از آتش باد، از باد آب، از آب زمین و همه هستی مادی را فراز آفرید.^{۱۳}

چنین گوید به دین که نخستین آفریده همه آب سرشکی بود، زیرا همه (چیز) از آب بود جز تخمه مردمان و گوسپندان، زیرا آنان را تخمه آتش - تخمه است. او، نخست آسمان را آفرید برای بازداشتن (اهریمن و دیوان) باشد که (آن آفرینش را) آغازیدن خواند، دیگر، آب را آفرید برای یاری گوسپند سودمند، پنجم، گوسپند را برای یاری مرد پرهیزگار آفرید، ششم، مرد پرهیزگار را آفرید برای از میان بردن و از کار افکندن اهریمن و همه دیوان و...»^{۱۴} (فربغ‌دادگی، گزارنده مهرداد بهار، انتشارات توس، ص ۳۹).

ازجمله در عجایب المخلوقات احمد طوسی هم بنا بر روایتی هستی و مانده‌های مادی آن، همه از آب است، و چنان‌که در باور مذکور آمده، پروردگار آسمان‌ها را از بخار آب آفریده، و زمین‌ها را از کف آب و کوه‌ها را از موج آب به‌وجود آورده است. و اما در پیوست به آنچه گفته شد و اشاره رفت، آب در ایران باستان و ستایش ایزد بانوی آن، شاید که از درازدامن‌ترین و زیباترین نمونه‌های ممکن در وصف این ماده سودرسان و بزرگداشت آن باشد و نیز ایزدان و فرشتگان دیگری که در پیوند با این مثال برساخته شده و تداوم یافته است! هم از این‌رو است که در یسنا ۶۵، فقره ۱۰ اورمزد به